

# خاورمیانه

## رویدادهای مهم تاریخی

### از سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

گروه پوهنهای تاریخی  
زرتیظر: محسن میرزایی



# خروج مصر از سیستم منطقه ای و عربی

## رسالت تاریخی مصر در جهان عرب به پایان رسید



**● همان طور که سادات خواسته بود آمریکایی ها خود را مسئول امنیت جانی وی دانستند و نه تنها کار ویزه سادات، برای آموزش های تازه به آمریکا رفت، بلکه مقدمات تشکیل نیروی ویژه ای برای مقابله با تروریسم بین المللی فراهم شد.**

**● سادات مصر از آن یک سیستم منطقه ای به سیستمی دیگر برود. سیستم قبلی شخصیت ویژه عربی خود را احساس می کرد و وابسته نبودن اعراب راه دولت های غربی یک استراتژی اساسی می دانست ولی سیستم جدید تحت حمایت کشورهای غربی و در راس آن آمریکا قرار داشت**

نقش «هسته عملیات وحدت» که سایر کبان کار حول خود مجتمع می کرد و نقش بیشتن عملیات مدرنیزه کردن، چه امکانات فرهنگی، مراد است. عرب به دنیای معاصر بود. در واقع تاریخ می آموزد - به هر کس که بخواند، بیاموزد - تا جاییکه اینجاست که مصر (سادات)، علاوه بر خروج از این سیستم استعماری، اجازه می داد سیستم مذکور از هم گسیخته شود. در حالی که مصر «ناصری» با همین سیستم و در کنار آن، مهم ترین پیروزی هایش را به دست آورده بود. از این هم بدتر، هر گاه به نظر می رسید هرگز نقل استراتژیک به سرعت از کانال سوئز عیارت دیگر، در شرایطی که تمامی مبارزه طایفه ها، مصر را ملزم می کرد پیش از پیش به تاریخ عربی خوش، متصل باشد، «سوادات» متحصصا همین شرایط را انتخاب کردند تا از آزادی مصر را تاکید.

الته این سیاست های تازه «سادات»، از جمله تغییر هم پیمانهای مصر، با استقبال گرم غرب روبرو بود و وسایل ارتباط جمعی غربی به ویژه آمریکا، منعکس می شد. در ژانویه ۱۹۷۲ «کسیجیتر» که در قاهره بود به اتفاق سادات، زمینه سفر «نیکسون» به مصر و دیگر کشورهای خاورمیانه در تابستان ۱۹۷۴ را فراهم کرد. «کسیجیتر» همچنین توانست سادات را به لزوم لغو تحریم نفتی آمریکا متقاعد کند. هر چه نقش وی تاریخی نباشد، از عجایب روزگار اینک «سادات» از کشورهای نفتی عربی مصرانه می خواست، تحریم خود نفت به آمریکا را لغو کنند. در چارچوب «نیکسون» برای بازید از مصر که سادات و «کسیجیتر» به وقت زمینه آن را فراهم کرده بودند، به قاهره آمد. هدف از این سفر - در جریان رسوایی «واترگیت» - اثر گذاشتن روی افکار عمومی آمریکا و القای این باور که رئیس جمهوری در حال سقوط در واشنگتن بر اثر رسوایی «واترگیت» آفریننده صلحی است که در دهه های جهان عرب برای آن مایل نه شده است، در حالی که همین توده ها زمان زیادی موضع خصمانه ای نسبت به سیاست آمریکا داشتند.

شاید سادات، که بعد خطرناک رسوایی «واترگیت» را در فرستادن اندازه گیری نکرده بود تصمیمی که در ملاقات رئیس جمهوری آمریکا با هیئت ویرالامی برده و فضای مودرنتر خود، بیرون رفتن های بین المللی را باز می کند.

دکتر محمد حسینی بیگلر در دنباله خاطرات خود می نویسد:  
در ژوئیه مقامی که در اول فوریه سال ۱۹۷۴ در «روزنامه الاهرام» نوشت، سقوط نیکسون و خروج وی از کاخ سفید را پیش بینی کردم. «سادات» از این مقاله بسیار شدید و خشمگین بودند. جالب اینست که در آن موقع به روزنامه های مصری دستور داده شد از انعکاس تحولات رسوایی «واترگیت» که هر روز در واشنگتن ابعاد آنجا آرمیتری می یافت، خودداری کند. «نیکسون» که از سوی ملتش تحت تعقیب بود، در قاهره همچون فرمان مودرن تغییر کرد. در حالی که خودش سادات مصری پنهان نگاه داشته شده بود.

آخرین بازدید کسینی به بارزی که در آن مرحله به مصر آمد، «محمدرضا پهلوی» شاه ایران بود که بعد از غیبت طولانی به مصر آمده بود. در این باره قول «لانچمن» به منظور استخوانگاری ترنسپرس «فوریه» خواهر کل «فاروق» به قاهره آمده بود. آن موقع، جوهر خلجی و نامشمن به خویش بود که در واپس پیچیده اش از پیر طاعت پشینه اش، او را از توان انداخته بود و حال در سال ۱۹۷۴ و در مقام شاه ایران در خلا در حالی که خودش طاعت نشده بود، به مصر آمد و برای شرکت اساسی در یک جلسه سادات در منطقه یزد بود. از بحث بد، برنامه وی بهانه در خواست خودش، شامل بازدید از سد اسوان رفت. «هسمر سادات» نیز در این جلسه مستحق بود. وی در جریان کردن در تأسیسات بندر اسوان، کمکی از پزندت جهان احمد «مستامیر» راوی دیواری که احتمالاً شامل از کتان می گذشت دید، دستور داد آن را بردارد تا با مبادا از دیدن آن ناراحت شود. اگر نظر به آنکه سادات با بعد از نامه داشت. شکر را داشتند تا بعد از بازدید شده، آن را به جای خود بازگرداند، اما چنین نشد.

ادامه دارد

طرح را رد کرد و جهاد مقدسی را علیه آن رهبری کرد و نتایج امت عرب را به دنبال خود کشید. این تلاش یک بار دیگر به نام «پیمان سادات» به عمل آمد و مصر برای سوین بر آن را رد کرد و علیه آن به شدت موضع گرفت. هدف آمریکا از همه این تلاشها، صرفاً کشاندن منطقه به چارچوب پیمانهای نظامی ضد شوروی نبود بلکه افزون بر آن، دست و پانویزی عربی، ناشی از وحدت امنیت و مصالح و منتهی بر خود را احساس نیز نمود نظر آمریکا بود تا جذب اسرائیل به سیستم منطقه ای در کنار عرب، هم تسهیل شود. هر همیشه - قبل از انقلاب نیز - ضمن معالفت با این گونه طرح ها، راهی از تعارضات نو سیستم خود را احساس می کرد و بر اسرائیل و مصر نهادهای بی امی را رهبری کرد و به عظیمی پرداخت تا مشروعیت و مشروعیت عربی و وقایع و محالفت با خواست های اسرائیل و وابسته های آن، در فرستادن اصل در منطقه منتهی می کرد. در مقابل سیستم دیگری می نام «سیستم خاورمیانه ای» و تحت حمایت کشورهای غربی و در راس آنها، آمریکا وجود داشت. هدف این سیستم، همزمان با اهداف و عمل، ایمان داشت. این جنبش قرارداد اولین مرحله جاسازی نیروها آغاز شد. موافقت با درخواست «گاندلمانی» مبنی بر استقراری نظامی اسرائیل (پیش از ۲۰۰۰ اسرائیل از جمله حدود ۲۰۰۰ خلبان رفیع محاربه گشته «باب المندوب» و دادن تعهد قطعی به جلوگیری از هر گونه عملیات خصمانه فلسطینی علیه اسرائیل از خاگ مصر، به علاوه تعهد خود را در فعالیت های تبلیغاتی علیه اسرائیل. خطرات آن از همه اینها شکر، تهدید مصر مبنی بر شروع فوری بازسازی شهرهای حاشیه کالی و بارز دادن مهاجرین به این شهرها بود. هدف اسرائیل از این درخواست عجیب و پاشناری وی آن بود که هر سه شهر کانال سوئز، یمن و خاورمیانه، چه اندازه از نظر آن، شرها بازگردند.

با این هدف که اگر سادات، تعهدات

میان مصر و اسرائیل رخ دهد. این علاوه بر موازنه قوای نظامی، حقایق موازنه منطقه ای و بین المللی در حال خود دشمن سابق را - مصر و اسرائیل - به طرفی یک کارگاه است. اما حتی در زمینه محموله های اسلحه منتهی به آمریکا هستند، تبدیل کرده است بدین گونه که به فرض وقوع نبردی میان این دو در آینده، روند کشش، شیب کشش و میان ترکیه و یونان - نه بیشتر و کمتر - خواهد بود.

توافق استراتژیک مصر و اسرائیل یک تک توافق شتازده و ناشی از میداننداری ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه بود. روی مذاکرات جاسازی نیروهای نظامی مصر و اسرائیل سیه افکن می بود.

روزی «کسیجیتر» از استراتژیست ها «سادات» در شهر «اسوان» بازمی کشید تا به هیأت مصری بگوید که سادات، موافقت کرده است که تمامی واحدهای سیستمی مستقر در شرق کانال سوئز با عقب کشند و فقط ۲۰ تا ۳۰ تانک و توپ در صحنه بماند. پیشین باقی ماند. «سپید جسمی» رئیس ستاد ارتش مصر با شنیدن این خبر گفتگفت بود: در رخ رسمی رول مایل لایز است و مصر از بابت خرید این سلاح ها ۵۰۰ میلیون بود.

«کسیجیتر» از بقیه را بدکار بود.

مصر سلاح های روسی خریداری شده از

در ۵ جنگ (سوئز - یمن - جنگ های ۶ روزه

۱۹۶۷ و جنگ اکسیر) به کار برده اما با

محموله های خریداری شده از غرب وارد

جنگ می کشد.

«کسیجیتر» در اینجا پیش بینی کرده، که

می موند:

در هر حال گمان نمی رود جنگ بزرگی

میان مصر و اسرائیل رخ دهد. این علاوه بر موازنه قوای نظامی، حقایق موازنه منطقه ای و بین المللی در حال خود دشمن سابق را - مصر و اسرائیل - به طرفی یک کارگاه است. اما حتی در زمینه محموله های اسلحه منتهی به آمریکا هستند، تبدیل کرده است بدین گونه که به فرض وقوع نبردی میان این دو در آینده، روند کشش، شیب کشش و میان ترکیه و یونان - نه بیشتر و کمتر - خواهد بود.

توافق استراتژیک مصر و اسرائیل یک تک توافق شتازده و ناشی از میداننداری ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه بود. روی مذاکرات جاسازی نیروهای نظامی مصر و اسرائیل سیه افکن می بود.

روزی «کسیجیتر» از استراتژیست ها «سادات» در شهر «اسوان» بازمی کشید تا به هیأت مصری بگوید که سادات، موافقت کرده است که تمامی واحدهای سیستمی مستقر در شرق کانال سوئز با عقب کشند و فقط ۲۰ تا ۳۰ تانک و توپ در صحنه بماند. پیشین باقی ماند. «سپید جسمی» رئیس ستاد ارتش مصر با شنیدن این خبر گفتگفت بود: در رخ رسمی رول مایل لایز است و مصر از بابت خرید این سلاح ها ۵۰۰ میلیون بود.

«کسیجیتر» از بقیه را بدکار بود.

مصر سلاح های روسی خریداری شده از

در ۵ جنگ (سوئز - یمن - جنگ های ۶ روزه

۱۹۶۷ و جنگ اکسیر) به کار برده اما با

محموله های خریداری شده از غرب وارد

جنگ می کشد.

«کسیجیتر» در اینجا پیش بینی کرده، که

می موند:

در هر حال گمان نمی رود جنگ بزرگی

سپس توافق میان بیست دستگاه اطلاعاتی قابل در منطقه که اساسا به منظور حفاظت از سرمایه گذارهای منظم بانک های آمریکایی (جمله چیس مانیاتان) آفریقا را هدف قرار داده بود، به اعتبار رسید.

این توافق را درستی و مصر اطلاعاتی

سعودی و ایران و آمریکا و اسرائیل و فرانسه

اطفا کردند. از این توافق «بانگاه سفاری»

پدید آمد. این بانگاه عجیب ساخته و ساخته

پسرخارسته انجمنیه های گنست

و «کدی میرانش» رئیس امنیت کشور و

سازمان ضدشورش فرانسه بود.

به گفته اعضای بانگاه، هدف، مقابله با

توسعه کمونیسم در آفریقا، بود. همین

عملیات آن گروه، مشارکت نیروهای مصری

و مراکش در بجای میز «امپوئود» در کنگو

(زئیر) بود، تا مبادا این رژیم سقوط کند و

وام های عظیم بانکهای غربی به آن سوخت

شود.

در اوایل ۱۹۷۲ «سادات» در جمله خود

به شوروی به عنوان اینکه در اجرای تعهدات

خود مبنی بر جبران خسارات مصر در جنگ

کوتاهی کرده است شدید و خشن بود.

«کسیجیتر» در اینجا اشاره ای به میزان

خرید اسلحه از اتحاد جماهیر شوروی کرده،

می نوسد: «مصر خرید اسلحه از اتحاد جماهیر

شوروی را در سال ۱۹۵۵ آغاز کرد. از آن تاریخ

تا سال ۱۹۷۵ که فروش اسلحه شوروی به

مصر متوقف شد. یعنی در این بیست سال

مجموعه سلاح های خریداری شده در مصر از

شوروی بالغ بر میلیارد ۲۰۰ میلیون بود.

بود در خر رسمی رول مایل لایز است و مصر

از بابت خرید این سلاح ها ۵۰۰ میلیون بود.

مصر سلاح های روسی خریداری شده از

در ۵ جنگ (سوئز - یمن - جنگ های ۶ روزه

۱۹۶۷ و جنگ اکسیر) به کار برده اما با

محموله های خریداری شده از غرب وارد

جنگ می کشد.

«کسیجیتر» در اینجا پیش بینی کرده، که

می موند:

در هر حال گمان نمی رود جنگ بزرگی